
ایلیاد

هومر

ترجمه‌ی میرجلال‌الدین کزازی

فهرست

دیباجه ترجمان

۱

فهرست فراگیر

سرود نخستین

۳

خشم آشیل

فراخوان خدایان. - آگاممنون شریژنیس را خوار می‌دارد. - طاعون در سپاه. - گرد آوردن آشیل همگان را در انجمن. - کالشاس سبب درد و درمان آنرا آشکار می‌دارد. - دخالت بیهوده نستور در کار. - آگاممنون شریژنیس را باز پس می‌فرستد و بریزنیس را برمی‌گیرد. - تئیس آشیل را که از جنگ باز ایستاده است، دلداری می‌دهد. - بازگشت شریژنیس. - کشمکش و ستیزه زئوس و هرا. - هفائستوس پیوند و آشتی را در میانه برقرار می‌گرداند.

سرود دوم

۲۷

رؤیای آگاممنون

زئوس رؤیایی را به سوی آگاممنون می‌فرستد؛ تا او را به نبرد برانگیزد و امید بیهوده پیروزی را در دل وی درافکند. - آگاممنون امید خویش را با پادشاهان در میان می‌نهد؛ انجمن را سامان می‌دهد و چنان وامی‌نماید که می‌خواهد فروگرفت تروا را وانهد. - بیشینه سپاه آماده رهسپاری می‌شود. - اولیس آن جنبش و رهسپاری را بازمی‌ایستاند. - کیفر و گوشمال تریست. - آخاییان بر آن می‌شوند که بمانند و پیکار را

می‌آریند و می‌بسیجند. - بر شماری مردمان، سالاران و کشتیهای آخایی. - بر شماری مردمان و سالاران تروایی.

سرود سوم

۵۹

پیمان

پاریس دلیرترین آخاییان را به نبرد فرامی‌خواند؛ اما، در برابر منلاس، واپس می‌نشیند. - نکوهشهای هکتور پاریس را به نبرد برمی‌انگیزد. - فرایند پیمان. - نبرد پاریس و منلاس. - آفرودیت پاریس را از مرگ می‌رهاند و به نزد هلن می‌برد. - آگاممنون انجام پیمان را درمی‌خواهد.

سرود چهارم

۷۶

رای‌گردانی آگاممنون

هرا زئوس را با خود همداستان می‌گرداند که نبرد از سر گرفته شود. - آتنا پانداروس را وامی‌دارد که تیری به سوی منلاس درافکند و آرامش و «پیکازیس» را در هم بشکند. - آراستگی و آمادگی برای نبرد. - رای‌گردانی سپاهیان. - جنگ درمی‌گیرد.

سرود پنجم

۹۷

کارهای نمایان دیومد

آتنا آرس را از آوردگاه بدر و به دور می‌کشد. - ترواییان سستی می‌پذیرند. - دیومد زخمی می‌شود؛ پانداروس را می‌کشد و انه را زخم برمی‌زند. - آفرودیت به دست دیومد زخم برمی‌دارد؛ ایزدبانو به المپ بازمی‌رود. - آپولون انه را از خطر می‌رهاند و آرس را به نبرد بازمی‌آورد. - ترواییان خویشتن را فرومی‌گیرند و توان می‌یابند؛ آخاییان سست و ناتوان می‌شوند. - هرا و آتنا به یاری آرگوسیان از آسمان فرود می‌آیند. - دیومد آرس را زخم برمی‌زند. - آرس به المپ فرامی‌رود. - دو ایزدبانو نیز هنگامه نبرد را وامی‌نهند.

سرود ششم

۱۲۹

گفتگوی هکتور با اندروماک

ترواییان سستی می‌پذیرند. - هکتور به تروا بازمی‌گردد و به نزد مادرش می‌رود تا از او بخواهد که به درگاه آتنا بنالد. - دیدار دیومد و گلوکوس؛ دو قهرمان یکدیگر را بازمی‌شناسند و جنگ‌بازارهایشان را به نشانه دوستی به یکدیگر می‌دهند. - هکتور پاریس را به بازگشت به آوردگاه برمی‌انگیزد. - هکتور اندروماک را می‌جوید و او را در نزدیکی دروازه «سه» می‌یابد. - گفتگوی دو همسر. - هکتور و پاریس به آوردگاه بازمی‌گردند.

سرود هفتم

۱۴۸

نبرد هکتور و آژاکس

ترواییان دیگر بار برتری می‌یابند. - هلنوس هکتور را اندرز می‌گوید که دلیرترین آخاییان را به نبرد شگفت فراخواند. - منلاس خواستار نبرد می‌شود؛ اما آگاممنون رای او را می‌گرداند. - از میان نه خواستار دیگر، آژاکس به قرعه برگزیده می‌شود. - نبرد هکتور و آژاکس. - پیشنهادهای نستور در انجمن آخاییان. - کنکاش در انجمن ترواییان. - برقراری «پیکازیس»، برای برگرفتن کشتگان و انجام آیین سوگ و مرگ. - آخاییان با برافراختن دیوار و خندق، اردوگاهشان را استوار می‌گردانند. - پوزئیدون از این کار به زئوس گلایه می‌برد. - شب آکنده از نشانه‌های گجسته نهانمای و رازگشای.

سرود هشتم

۱۶۶

گسستگی نبرد

زئوس خدایان را می‌فرماید که بیطرف بمانند و بر کوه ایدا برمی‌نشینند. - از آنجا، نبرد را که سرانجام آن روشن نیست می‌نگرد و سرنوشت دو مردم را برمی‌سنجد. - ترواییان بر هماوردان چیره می‌آیند. - آخاییان به واپس رانده می‌شوند. - کارهای نمایان توسر. - هکتور برتری را به ترواییان بازمی‌گرداند. - شب نبرد را می‌گسلد و به فرجام می‌آورد؛ ترواییان در آوردگاه، نزدیک بارو اردو می‌زنند.

سرود نهم

۱۸۶

نیایش

آگاممنون در پیش می‌نهد که چشم از فروگرفت تروا درپوشند. - دیومد و نستور با این پیشنهاد همداستان نیستند. - نستور می‌خواهد که بکشند خشم آشیل را فرونشانند. - آگاممنون می‌پذیرد که بریزئیس را بازگرداند و ارمغانهایی به آشیل بدهد. - سفیرانی به نزد آشیل می‌روند. - گفتار اولیس و پاسخ آشیل. - گفتار فنیکس. - آشیل ناامیزگار و نرمش‌ناپذیر می‌ماند. - بازگشت سفیران. - دیومد آخاییان سرگشته را دل می‌دهد و به نبرد برمی‌انگیزد.

سرود دهم

۲۱۱

داستان دولون

آگاممنون و منلاس به برانگیختن نستور و دیگر سالاران از خواب می‌روند و همراه با آنان به دیدار جایگاههای دیده‌بانی. - دیومد بر عهده می‌گیرد که همراه با اولیس به بررسی و شناسایی اردوگاه ترواییان برود. - هکتور، از سوی خویش، دولون را به خبرچینی از آخاییان می‌فرستد. - دیومد و اولیس بر دولون دست می‌یابند. - دولون آگاهیهای بایسته را به اولیس می‌دهد و دیومد بر زندگی نابکار خائن نمی‌بخشاید. - اولیس و دیومد رزوس را می‌کشند؛ اسبانش را می‌ربایند و به اردوگاه بازمی‌آیند.

سرود یازدهم

کارهای نمایان آگامنون

۲۳۲

نبرد، به دمیدن روز، آغاز می‌گیرد. - ترواییان تا ایلین به واپس رانده می‌شوند. - زئوس هکتور را دل‌استواری می‌بخشد. - آگامنون زخم برمی‌دارد. - ترواییان دیگر بار برتری می‌یابند. - پاریس دیومد را زخم برمی‌زند. - منلاس و آژاکس اولیس را که زخم برداشته و در میان گرفته شده است، از خطرگاه می‌رهانند. - پاریس ماشائون و اوریفیل را زخم برمی‌زند. - آشیل بازگشت ماشائون رامی‌بیند؛ پاتروکل را به پرسش از حال وی می‌فرستد. - نستور از پاتروکل می‌خواهد که به لابه آشیل را وادارد که دل بر یونانیان فرسوزد. - پاتروکل باز می‌گردد و در میانه راه اوریفیل را که تن‌خسته است، مرهم بر زخم برمی‌نهد.

سرود دوازدهم

تازش بر بارو

۲۶۱

ترواییان آماده می‌شوند که از دیوار آخابی بگذرند. - اندرز پولیداماس. - تلاش بیهوده آسیوس درگذشتن از یکی از دروازه‌های اردوگاه. - برکامه پولیداماس، هکتور روی به حمله می‌آورد. - آخابیان، به شور و تلاش، از دیوار دفاع می‌کنند. - منسته، به یاری توسر و آژاکس، در برابر لیسیان که سارپدون آنان را راهبر است، درمی‌ایستد. - سارپدون، پیروزمند، رخنه‌ای در دیوار می‌گشاید. - هکتور دروازه‌ای را در هم می‌شکند و ترواییان اردوگاه آخابیان را فرومی‌ستانند.

سرود سیزدهم

پیکار در کنار کشتیها

۲۷۷

پوزئیدون، در چهره و پیکر کالساس، آخابیان را دل می‌دهد و به پایداری برمی‌انگیزد. - هکتور، در شور و شتابش در رسیدن به کشتیها، از پیشروی بازمی‌ماند. - ایدومنه و مریون از سوی چپ ناوگان دفاع می‌کنند و دو آژاکس میانه آنرا پاس می‌دارند. - کارهای نمایان ایدومنه. - ترواییان بازپس می‌نشینند؛ هکتور با سالاران رای می‌زند و در پیکار می‌یابد. - آژاکس به رویارویی با هکتور می‌شتابد و نبرد از نو درمی‌گیرد.

سرود چهاردهم

زئوس فریفته هرا

۳۰۶

نستور که ماشائون را تیمار می‌کرد، از خرگاه بدر می‌آید و آگامنون و اولیس و دیومد را می‌بیند. - آگامنون از نو در پیش می‌نهد که فروگرفت را وانهند. - اولیس با این اندرز و پیشنهاد ناساز است؛ رای دیومد بازگشتن به نبرد است. - پوزئیدون آگامنون و آخابیان را دلیری می‌دهد. - هرا خویشان را می‌آراید؛ تازئوس را بر خویش بشیبد و در خواب برد. - پوزئیدون بخت را به آخابیان بازمی‌گرداند. - هکتور را آژاکس زخم برمی‌زند. - آخابیان ترواییان را به واپس می‌رانند و آژاکس پور اوئیله به شور و شتاب سر در پی آنان در می‌نهد.

سرود پانزدهم

بازگشت تازان دور از کشتیها

۳۲۵

زئوس از خواب برمی‌آید؛ کارهای نمایان پوزئیدون را می‌بیند؛ هرا را می‌نکوهد و پیشامدهای آینده را بر او آشکار می‌گرداند. - آتنا آرس را که از مرگ پورش خشمگین است، آرام می‌دارد. - آپولون و ایریس پوزئیدون را ناچار می‌سازند که آوردگاه را فرونهد. - آپولون هکتور را بهبود می‌بخشد؛ آخابیان را می‌هراساند و ترواییان را تا ماندگاه کشتیها به پیش می‌راند. - پاتروکل، به لابه‌گری، به نزد آشیل می‌رود. - هکتور آماده می‌شود که کشتی پروتریلاس را به آتش درکشد؛ واپس نشینی آژاکس، پور تلامون.

سرود شانزدهم

داستان پاتروکل

۳۵۱

آشیل می‌پذیرد که جنگ‌ابزارهایش را به پاتروکل واگذارد و «موزمردان» را همراه با او به پیکار گسیل دارد. - کشتی پروتریلاس به آتش کشیده شده است؛ «موزمردان» و پاتروکل پیکار را می‌سیجند و می‌آریند. - ترواییان روی به گریز درمی‌نهند. - پاتروکل سارپدون را می‌کشد؛ برگرد لاشه‌اش، می‌جنگد. - پاتروکل، برکامه دستوره‌های آشیل، تا به ایلین پیش می‌رود. - اوفورب پاتروکل را زخم برمی‌زند؛ هکتور کار را به فرجام می‌آورد و پاتروکل را می‌کشد و در پی اتومدون می‌تازد.

سرود هفدهم

کارهای نمایان منلاس

۳۸۰

منلاس، برخوردار از یاری آژاکس، از لاشه پاتروکل در برابر هکتور دفاع می‌کند. - هکتور نخست تن به شکست درمی‌دهد؛ سپس باگزیده ترواییان بازمی‌آید. - پیکار سخت و پرشور در میانه ترواییان و آخابیان. - درد اسبان آشیل که اتومدون آنها را از آوردگاه بازمی‌آورد. - هکتور و انه بیهوده می‌کوشند که بر اسبان آشیل دست یابند. - کشاکش به پاس پیکر پاتروکل می‌یابد و آرگوسیان سستی می‌پذیرند. - منلاس آنتیلوک را به آگاهانیدن آشیل از مرگ پاتروکل و تیره‌روزی آخابیان می‌فرستد. - منلاس و مریون، در پناه دو آژاکس، سرانجام پیکر پاتروکل را به همراه می‌برند.

سرود هژدهم

ساختن جنگ‌ابزار

۴۰۷

آشیل امیدخویش را ازدست می‌دهد؛ تتیس او رادل می‌دهد آرام می‌گرداند و نوید می‌دهد که جنگ‌ابزارهایی دیگر برای او فراهم آورد. - تتیس به المپ می‌رود تا از هفائستوس بخواهد که جنگ‌ابزارهایی نو برای پورش بسازد. - آشیل از خرگاهش بدرمی‌آید و با فریادهایش ترواییان را به گریز وامی‌دارد. - در درازای

شب، ترواییان انجمن رایزنی می آریند؛ آخاییان بر گرد پیکر پاتروکل می موبند. - هفائیسستوس خواسته‌های تتیس را برمی آورد. باز نمود سپر آشیل. - تتیس جنگ‌ابزارهایی را که برای پورش ساخته شده است، به همراه می برد.

سرود نوزدهم

۴۲۸ **آشیل خشمش را وامی نهد**
آشیل، بهره‌مند از جنگ‌ابزارهای نو، می خواهد که بی درنگ به نبرد روی آورند. - آگاممنون زبان به خطاهایش برمی‌گشاید و ارمغانهای نوید داده را به آشیل پیشکش می‌دارد. - بریزنیس بر پیکر پاتروکل می‌زارد و آشیل از نو دستخوش درد و اندوه می‌شود. - نیرو گرفته از آتنا، جنگ‌ابزارها را بر تن می‌پوشد؛ بر ازابه‌اش بر می‌رود و به روبرویی با هکتور می‌شتابد، هر چند خانتور، یکی از اسبانش، مرگی نزدیک را برای او پیش می‌گوید.

سرود بیستم

۴۴۳ **نبرد خدایان**
رایزنی خدایان، زئوس آنان رادستوری می‌دهد که از آسمان فرود آیند و به دلخواه خویش، ترواییان و آخاییان را یاری رسانند. - آپولون انه را به پیکار با آشیل وامی‌دارد؛ پوزئیدون انه را از مرگ می‌رهاند. - آشیل پولیدور را می‌کشد. - هکتور می‌خواهد کین برادر را بستاند؛ خویش را در خطر می‌بیند؛ اما آپولون او را می‌رهاند. - آشیل تیغ در ترواییان می‌نهد و آنان را فرومی‌کشد.

سرود بیست و یکم

۴۶۰ **پیکار در کنار رود**
شکست ترواییان. - مرگ لیکائون و مرگ آستروپه. - ستیزه آشیل با خانت. - پیکار خدایان با یکدیگر. - خدایان به المپ بازمی‌گردند. - تنها آپولون می‌ماند؛ تا تروا را از نابودی برهاند.

سرود بیست و دوم

۴۸۲ **مرگ هکتور**
آشیل، سرگشته و فریفته آپولون، به زیر باروهای تروا بازمی‌آید و هکتور را بازمی‌یابد. - هکتور می‌ترسد و می‌گریزد؛ دو جنگاور سه بار، پویان، گرد شهر می‌گردند. - زئوس سرنوشت آشیل و هکتور را برمی‌سنجد. - هکتور محکوم به مرگ است. - آشیل هکتور را می‌کشد؛ پیکرش را از جنگ‌ابزارها باز می‌پیراید و وی را به سوی کشتیها درمی‌کشد. - درد و مویه ترواییان، پریام، هکوب و آندروماک.

سرود بیست و سوم

۵۰۰ **بازیهای ورزشی در بزرگداشت پاتروکل**
«موزمردان» پاتروکل را بزرگ می‌دارند؛ خوان سوگ. - پدیداری پاتروکل بر آشیل. - آیین سوگ و سوختن پاتروکل. - بازیهای سوگ. - پویه ازابه‌ها. - مشتزنی. - کشتی. - دو. - ستیز نیزه‌گزاران. - پرتاب گرده. - تیراندازی و ژوپین افکنی.

سرود بیست و چهارم

۵۳۱ **باز خرید هکتور**
آشیل هر روز پیکر هکتور را بر گرد گور پاتروکل در خاک درمی‌کشد. - زئوس، به پایمردی تتیس، آشیل را بر آن می‌دارد که هکتور را به ترواییان بازگرداند و پیکی به نزد پریام می‌فرستد؛ تا او به باز خرید لاشه هکتور بشتابد. - پریام با سزبهارهسپار می‌شود؛ هر مس وی را تا خرگاه آشیل راه می‌نماید. - دیدار آشیل و پریام؛ آشیل تن به خواهشهای پیرمرد درمی‌دهد و پیکر هکتور را بازمی‌گرداند. - پریام به تروا درمی‌آید. - مویه آندروماک، هکوب و هلن. - آیین سوگ و سوختن هکتور.

فرهنگ واژگان

۵۵۹

نمایه اسطوره شناختی

۵۶۱

دیباچه

ایلیاد، نیز اودیسه که هر دُو آن را به سخنور باستانی یونان هومر بازمی‌خوانند، دو نامه گرانسنگ و پرآوازه پهلوانی‌اند که با انه‌اید سروده ویرژیل سخنسرای لاتین بزرگترین حماسه‌های اروپایی را پدید می‌آورند. در ارج و والایی ایلیاد، همین یک نکته بسنده می‌تواند بود که دانشوران و سخن‌سنجان باخت‌زمین بر آن رفته‌اند که دو نامه شگرف شالوده فرهنگ و اندیشه اروپایی را ریخته‌اند و در بینش و منش و کنش اروپاییان بیشترین و پر دامنه‌ترین اثر را نهاده‌اند: یکی مینوی و دیگری ادبی: انجیل و ایلیاد. با همه ارزش و ارج فرهنگی و ادبی ایلیاد، راست این است که هنوز برگردانی سخته و سُتوار که سزاوار نامه‌ای به سترگی و سرآمدگی این شاهکار باستانی و پهلوانی باشد، در زبان پارسی به دست داده نشده است؛ در زبانی شکرین و شیوا که بزرگترین نامه پهلوانی جهان، شاهنامه، در آن سروده آمده است؛ نامه‌ای شاهوار و نامور که بی‌هیچ گمان و گزافه، ایلیاد و ادیسه و انه‌اید هم‌تا و هم‌بالای آن نمی‌توانند بود و در سنجش با آن، فرّ و فروغی نمی‌توانند داشت.

به هر روی، آنگاه که پارسی‌شده انه‌اید به خامه این دوستار به چاپ رسید و از رو بگرد فرهیختگان و سخن‌آشنایان برخوردار آمد، آنان بارها ترجمان را، در دیدار یا به نوشتار، به برگردان ایلیاد و ادیسه برانگیختند و بر این نکته انگشت نهادند که: در پی انه‌اید که سومین نامه پهلوانی است در ادب باخت‌زمین، می‌شاید که آن دوی دیگر نیز ترجمه شود؛ تا این «سه گانه» سترگ، آنچنانکه آنرا می‌سزد و می‌برازد، به پارسی برگردانده آید.

اینک خدای را از بُنِ جان سپاس می‌گوییم که مرا بخت و توانِ آن ارزانی فرمود که

برگردان ایلیاد را به سخن سنجان و ادب‌دوستان ارمغان گردانم؛ بوکه برگردان این نامه نامدار، به همان سان که چشم می‌داشته‌اند، برگردانی ارزنده و برازنده باشد و آنان را خوش و دلپسند افتد!

دکتر میرجلال‌الدین کزازی
بارسلون - دیماه ۱۳۷۶

سرود نخستین

بسرای، ای بَعْدُخت^۱! خشم آشیل پورِ پله را؛ آن خشم گجسته و زیانبار را که تیره‌روزیهایی بیشمار برای آخاییان به بار آورد؛ روانهای راد و بخشنده انبوهی از قهرمانان را به نزد هادِس درافکند؛ و از پیکرهایشان سگان و تمامی مرغان را توشه ساخت - بدین سان، خواست زئوس به انجام می‌رسید - بی‌درنگ از آن زمان باز* که پورِ آتره^۲، پادشاه جنگاوران و آشیل مینوی، در پی کشاکش و ستیزه‌شان، از یکدیگر جدایی گرفتند. کدامین خدای آنان را در آن ستیزه و ناهمداستانی درافکند؟ پورِ لاتون و زئوس، آپولون. او بود که خشماگین بر پادشاه، بیماری گجسته و مرگبار را در سپاه برانگیخت و درگسترده و رزمندگان از آن بیماری، یکی پس از دیگری، از پای درافتادند؛ این همه از آن بود که آتره‌ای شریسه، سرور کاهنان را خوار داشته و ناسزا گفته بود. راستی را، شریسه به سوی کشتیهای تندپوی آخاییان آمده بود؛ تا دخترش را از آنان به زر بازخرد. او سربهایی سترگ را، نهاده در دستان خویش، به همراه آورده بود. در آن هنگام، نوارهای باریک از فراز زرینه چوگان سروری وی فروافتاده بود؛ نوارهایی که نشانه‌های آیینی آپولون است، خدایی که تیر او تا دوزجای راه می‌برد. او، به زاری و لابه‌کنان، با تمامی آخاییان، به ویژه با دو پورِ آتره که فرماندهان دسته‌های جنگاور بودند سخن گفته بود:

۱- سخنور بَعْدُخت هنر، «موز» دخت زئوس را فرامی‌خواند که نیک شایسته فراخواندی از این گونه است.
* از آن زمان باز: از آن زمان تاکنون.
پانوشتهایی که با * نشان زده شده است از من است و پانوشتهایی که با عدد از ترجمان فرانسوی.
۲- پورِ آتره یا «آتره‌ای» آگاممنون است.